

خبر

پیچیده‌ترین نقش «رحیم نوروزی»

در سریال امنیتی تلویزیون

پخش در ماه‌های آینده

بخش فرهنگی – بازیگر شناخته شده سریال‌های تلویزیونی بعد از ملودرام، اکشن و تاریخی این بار در مقابل دوربین مجموعه تلویزیونی در فضای جاسوسی- امنیتی قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، این روزها «خانه امن» با شرایط سخت کرونایی، کارش را جلو می‌برد تا هرچه سریع‌تر به آنتن سیما برسد. به گفته تهیه‌کننده‌اش ابوالفضل صفری، به تازگی رحیم نوروزی بازیگر شناخته شده تلویزیون، تئاتر و سینما به این سریال تلویزیونی پیوسته و پیچیده‌ترین متفاوت‌ترین نقش کارنامه کاری‌اش را ایفا می‌کند. نقشی که شاید مشابه آن در میان سریال‌های تلویزیونی دیده نشده باشد. بعد از پیوستن قربان نجفی به عنوان داعشی ماجرای «خانه امن»، مادر شدن شهره سلطانی و شیوا ابراهیمی در این سریال، نوبت به بازیگر سریال‌های «پس از باران» و «یوسف پیامبر» رسیده که جلوی دوربین احمد معظمی قرار بگیرد. «خانه امن» پر بازیگر و پرلوکیشن در ۵۰ قسمت توسط مرتضی اصفهانی طراحی و به قلم حسین تراب‌نژاد نگاشته شده و تا امروز بازیگران زیادی را جلوی دوربینش قرار داده است. بازیگرانی همچون حمیدرضا پگاه، امین زندگانی، پرویز فلاحی‌پور سیما تیرانداز، حمید عطایی، سامان صفاری، شهروز ابراهیمی، سپیده خاوردی، سوگل طهماسبی، علیرضا رئیسی، نیلوفر کوخانی، ارسطو خوشرزم، روزین رحیمی طهرانی، زهره نعیمی، سامان دارابی و…

تاکنون صحبت‌های بسیاری درباره پایان تصویربرداری و پخش این سریال مطرح شده اما ابوالفضل صفری در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری تسنیم اعتقاد دارد که حداقل تا پایان آبان‌ماه تصویربرداری سریال ادامه خواهد داشت و برای پخش سیمافیلم و معاونت سیما تصمیم می‌گیرند. این نوید را می‌دهیم که ماه‌های آینده، سریال «خانه امن» به آنتن تلویزیون خواهد رسید.

یکی از نکات قابل توجه «خانه امن» استفاده از بازیگران جوان و مستعد تئاتر مثل نیلوفر کوخانی، ارسطو خوشرزم، روزین رحیمی طهرانی و زهره نعیمی که هر کدام یکی از نقش‌های اصلی «خانه امن» را ایفا می‌کنند.

.....

ماندگاری و فراموشی

سعید توجیهی



همزمانی تقریبی دو اتفاق ظاهراً بی‌ارتباط با یکدیگر در هفته گذشته

به بهترین شکل، علت وقوع وضعیت

تراژیک سینمای امروز ایران را به

نمایش می‌گذارد، سینمایی که تاثیر

پاندمی کرونا در تعطیلی و خلوتی سالن‌های نمایش آن، شوکی دیگر بر پیکر

این بیمار محترض و نیمه جان است. روز ۲۶ مرداد، بهمن مفید به عنوان آیکون شناخته شده

سینمای قبل از انقلاب (با بازی در حدود ۷۰ فیلم در یک دهه دوری از عرصه بازیگری – البته به جز دو مورد کمتر دیده شده – در انزوا درگذشت، که بازتاب آن در رسانه‌ها و بارها دیده شدن تک‌گویی منحصر به‌فردش در فیلم «قیصر» در شبکه‌های اجتماعی نشان داد که الزاما هر آن‌که از دیده برود از دل هم نخواهد رفت و روز بعد، ۲۷ مرداد، آغاز محاکمه غیر انسانی محمد امامی، تهیه‌کننده سینما مورد تایید نگاه رسمی به اتهام فساد مالی در دادگاه ویژه مفاسد اقتصادی، فرجامی عبرت‌انگیز برای آن‌ها که با طرد همه نشانه‌های سینمای قبلی می‌خواستند بر خاکستر آن عمارتی نو بنا کنند که البته شد، اما آنچه امروز می‌بینیم نشان می‌دهد که این کوبیدن و از نو ساختن و هزینه‌هایش و بنای معوج سینمای امروز نتایج دلخواه معماران آرمان‌خواه را به بار نیاورده چرا که اصولاً این

عرصه، میدان طرد و حذف و تحمیل سلیقه و خواست نیست

و دگرگونی و تغییر در آن فرآیندی تدریجی است که با تعامل

هنرمند و مخاطب شکل می‌گیرد.

در سال‌های پایانی دهه ۵۰ به گواه تاریخ، وضعیت سینمای

ایران به گونه‌ای پیش می‌رفت که از شمار مخاطبانش کاسته

می‌شد و اگر آتش انقلاب هم به جانش نیفتاده بود، بازی

را به سینمای خارجی باخته بود. آن سینمای موسوم به

فیلمفارسی اگر انقلاب هم نشده بود، در حال پوست‌اندازی

بود و شاهد آن مدعا هم همان تلاش‌های هر چند انگشت

شمار فیلمسازان موسوم به موج نو بود که از اواخر دهه چهل

شروع شد و نشان داد که بخشی از سینمای ایران سیگنال را

از مخاطبان گرفته و در حال تغییر است.

بهمن مفید حکم چهل ساله دوری از عرصه بازیگری که شاید

سینمای ایران را از هیچ دادگاهی نگرفت چرا که شاید

نگاه رسمی در سینما که از آن زمان تا به حال در پی خط

کشیدن‌ها و جدا کردن سره از ناسره هست هم می‌دانست

بازیگری جرم نیست و در عرصه هنر و سرگرمی نمی‌توان

برای سلیقه، منطق حقوقی تراشید و دادگاه و ممنوع‌الفعالیتی،

برای همین همه چیز در این سال‌ها بدون اعلام رسمی در

سکوت برقرار شد.

در این عرصه، مخاطب و اقبال اوست که تعیین می‌کند چه

چیز بماند و کدام یک فراموش شود و البته کار خردمندان

هم فراهم آوردن بستر و ساختاری است تا در آن هم هنرمند

و آفریننده بتوانند فارغ از فشار و سلیقه، هنر و سرگرمی را

عرضه کند و هم منتقد بتوانند نقد کند و همراه و راهنمای

مخاطب باشد و سرانجام مخاطب است که با افزایش گستره

انتخاب‌هایش سرانجام ماندگاری یا فراموشی رقم می‌زند.

{فرهنگ و هنر }



بهرام عظیمی مطرح کرد

«عصر جدید» جذاب‌تر از فوتبال

حال هنوز نمی‌دانند تخصص من چیست.

رشته کارشناسی من صنایع دستی بوده است که یعنی معرق، فرش، خاتم، سفالگری و… و پایان نامه کار من درباره شیشه بوده است پس می‌توان گفت هر آنچه را که به صنایع دستی مربوط می‌شود را کار کرده‌ام و البته هنرهایی مثل گرافیک، نقاشی، تصویرسازی و کاریکاتور را صد در صدر حرفه‌ای انجام داده‌ام. من کارگردان انیمیشن هستم، فیلمنامه‌های بسیار زیادی نوشته‌ام و بازیگری هم کرده‌ام و خیلی جالب است در مربی‌گری «عصر جدید» خیلی از کارهایی که در زندگی خود تجربه کردید فایده دارد. حتی غیر از اجرای بچه‌ها، نحوه صحبت کردن و پرزنت کردن اجرا و مهارتشان و در هر کاری که روی صحنه دارند نیاز به نوعی کارگردانی و هدایتگری دارد. در رشته کاری صنایع دستی که من به بچه‌ها کمک می‌کنم اگر بخشی از اجرایشان به بازیگری مربوط شود من در همان بخش سراغ مربیان و متخصصان حوزه بازی می‌روم و حتی برای دو دقیقه بازیگری از آن‌ها کمک می‌گیرم.

♦ تا چه حد ایده می‌دهید و یا در نگارش یک سناریو و ایده کمک می‌کنید؟

کسی که ایده دارد آن را پخته‌تر می‌کنیم و کسی که ایده نداشته باشد ما در ارائه ایده به او کمک می‌کنیم. مثلاً برای خانم بهاره سرگلزایی دوبلوری که با آقای احسان علیخانی و عصر جدید شوخی کرد من و خانم سرگلزایی و بدرام (که هیچ ارتباطی هم کارش با «عصر جدید» ندارد) چندین روز کار کردیم و انیمیشن‌ها را بررسی کردیم، داستان نوشتم و سناریویی دادیم تا برنامه دوم را اجرا کرد.

♦ این همه تلاشی که برای این استعدادها می‌شود چه لذتی دارد وقتی به اسم آنها تمام شود؟

مردم روی استیج را می‌بینند که یک خواننده اجرا می‌کند و پشت صحنه هم یک مربی که دارد او را تشویق می‌کند یا حرص می‌خورد. بارها شده است فشار ما بالا رفت، است یا قدمتان پایین افتاده است. شرکت کننده داشته‌ام که از ۱۲ ظهر تا ۴ صبح فقط با او تمرین کرده‌ایم تا ایرادات رفع شود. به غیر از مربی، افراد بسیار زیادی برای شرکت‌کننده‌ها زحمت می‌کشند مثل آقای نجفی یا آقای اختری، آقای تهرانی، آقای زحمتکش، آقای بزداهنرست، آقای بزرگ زادگان و ده‌ها نفر دیگر، حتی خود آقای علیخانی در اکثر تمرین‌ها حضور می‌یابد تا در جریان اجراها باشد.

به هر حال ما مثل مربی فوتبال هستیم مگر می‌شود مربی فوتبال بدش بیاید که تیمش برود. هر اجرای زیبایی که روی صحنه عصر جدید دیده شود

افتخاری است برای همه عوامل برنامه. ما در اجراها سعی می‌کنیم همه چیز را پیش‌بینی کنیم حتی ایرادات را و اگر فردی به مشکلی خورد به او بگویم چطور رفتار کند. ما درست در اختیار شرکت‌کننده‌ها هستیم. اما ممکن است فردی یا گروهی چهار ضریبدر سفید هم بگیرد اما در مراحل بعدی حذف

شود و متأسفانه کسی می‌آید که حتی از ما خداحافظی هم نمی‌کند اما قبل از آن قربان صدقه مربیان و عوامل برنامه می‌رود، به ماها استاد استاد می‌گوید

و وقتی حذف می‌شود همه این‌ها را فراموش می‌کند و حتی خداحافظی هم نمی‌کند. هر چند که از همان چند بار حضورش در برنامه هم استفاده می‌کند و معروف و مطرح می‌شود!

می‌پرسند چرا اینجا مربی‌گری می‌کنی در حالی که کارگردان انیمیشن هستی… تدریس می‌کنی… ورکشاپ‌های خارجی برگزار کرده‌ای… چرا با این رزومه اینجا می‌آیی آیا پول کلانی می‌دهند! ما مسئله این‌ها

نیستخواهش می‌کنم این را بنویسید که تمام تلاش و تفکر ما، مربیان و عوامل عصر جدید این است که یک اجرای جذاب و حرفه‌ای روی آنتن

برود. مثلاً تیم نمایش تلفیقی «مجاز» با اینکه در حوزه کاری من نیست اما خیلی دوستشان دارم و حتی چندی پیش در شب اجرایشان به تیمشان

گفتم اگر همان شب اول نشوند سر و کارشان با من است! و حسابی قاطی می‌کنم! چون نیم خوبی دارند و شما لذت می‌برید این تلاش‌ها را می‌بینید.

هیجان‌انگیز است وقتی فرد یا گروهی از یک روستا یا منطقه‌ای که حتی اسم آن را هم نشنیده‌اید به اینجا می‌آید و دیده می‌شود همه ما به خودمان

افتخار می‌کنیم.

♦ سهم شما در این موفقیت به اندازه کافی دیده می‌شود؟

موفقیت‌ها بیشتر بخاطر توانایی و استعداد خود بچه‌ها بوده است و ما هم کمک می‌کنیم و هم لذت می‌بریم. خیلی‌ها از من می‌پرسند چرا اینجا مربی‌گری می‌کنی درحالی‌که کارگردان انیمیشن هستی… تدریس می‌کنی… ورکشاپ‌های خارجی برگزار کرده‌ای… چرا با این رزومه اینجا می‌آیی آیا پول کلانی می‌دهند؟ اما مساله این نیست اینها درک نمی‌کنند که وقتی یک نفر موفق می‌شود و پول می‌شود و شما در کنار او بوده‌اید و در موفقیت او سهمی داشته‌ای خیلی لذت‌بخش است.

♦ فرق افرادی که در اینجا دیده می‌شوند تا کسانی که به صورت آکادمیک در ورکشاپ ها و کارگاه‌ها پرورش پیدا می‌کنند چیست؟

ما بازیگر فیلم و سریال داشته‌ایم که یک شبه مطرح یا مشهور می‌شود؛ کسی که شناخته شده نبوده است اما یک سریال بازی کرد و چون چهره داشت یا نقش او جذاب بوده است یک باره گل کرده است با این حال چند نفر از همین بازیگران نابود شده‌اند و دیگر در فیلم و سریالی بازی نکرده‌اند. برخی هم در میان همین بازیگران بوده‌اند که یک شبه دیده شده‌اند اما از این فرصت استفاده کرده و قدرش را دانسته‌اند.

در «عصر جدید» هم مینطور است. مثلاً ما شعیده بازی داشتیم که ۴۰ سال سابقه کار داشته است و در هر اجرا بارها تحسین شده است و حتی در خارج از کشور برایش کف زده‌اند. منتها مسابقات استعدادیابی فضای عجیبی دارد و یک باره یک دختر ۶ ساله کنار همین شعیده باز ۶۰ ساله قرار می‌گیرد و مخاطب بین این دو دست به انتخاب کودک ۶ ساله می‌زند. به نظر من این فضای رقابت از فوتبال هم جذاب‌تر است چون واقعاً هیچ چیز قابل پیش بینی نیست.

♦ ممکن است تبعیضی برای شرکت کنندگان قابل شوید؟

ما یک دوره چند ماهه با بچه‌ها هستیم و با روحیاتشان آشنا می‌شویم ممکن است من بعضی را خیلی دوست داشته باشم و برخی را هم اصلاً دوست نداشته باشم ولی با خودم می‌گویم حسم را کنار بگذارم. به من چه ارتباطی دارد که بخوام تبعیض قائل شوم به من گفته‌اند که به همه کمک کنم پس من کارم را انجام می‌دهم. بارها شده اینجا وقتی شرکت کننده‌ای رای نیاورده است من داغون شده‌ام. کاریکاتورست بسیار بسیار درجه یکی اینجا حضور پیدا کرده بود که بسیار در کارش حرفه‌ای است اما چهار رای قرمز گرفت. به هر حال یکی از تخصص‌های من کاریکاتور است و زمانی رکوددار جایز بین‌المللی در این زمینه بودم و از این حیث توانایی‌ها را می‌شناسم و سعی کردم خیلی به او کمک کنم ولی این کاریکاتورست در شرایط «عصر جدید» کار نکرده بود و متأسفانه اینجا نتوانست هنرش را نشان دهد و به همین دلایل است که اینجا فضای عجیبی دارد و این یعنی جذابیت یک برنامه.

♦ چقدر تلویزیون نقش داشته در توجه مردم به هنرهای تجسمی؟

برای رشته هنرهای تجسمی اتفاقات باحالی رخ داد. مثلاً فاطمه عبادی که سال گذشته با شن کار کرد مورد اقبال قرار گرفت و الان در خیلی از مراکز هنری «نقاشی با شن» به عنوان تکنیک آموزش داده می‌شود درحالی‌که اطمینان دارم قبل از «عصر جدید» هیچ جا چنین کاری نمی‌کردند و ذوق خود آدم‌ها بود یا زمانیکه گروهی از باستانی کاران اینجا آمدند و نمایش خیره کننده‌ای داشتند، این ورزش یک بار دیگر محبوب شد و البته محبوبیتی برای همه مردم و در هر سنی.

احسان علیخانی با ساخت این برنامه روی دیگری از خودش را نشان داد من باورم نمی‌شد او اینقدر طنان باشد و آنقدر بداهه تیکه‌های خاص بیندازد! تلویزیون باعث شد این هنرها و ورزش‌ها دیده شود یا «عصر جدید» به عنوان یک برنامه پربیننده بانی و باعثش بود؟

تلویزیون وظیفه دارد برنامه خوب بسازد درحالی‌که به نظرم ۸۰ درصد برنامه‌های تلویزیون نمره قبولی نمی‌گیرند و ۲۰ درصد برنامه‌هایش قابل دیدن است. «عصر جدید» این میان بسیار دیدنی است و به مخاطب شدید احترام می‌گذارد و دنبال اتفاقات جدید است. به خدا وقتی یک اجرای جذاب و دیدنی روی صحنه عصر جدید می‌رود همه ما دست‌اندر کاران این برنامه مثل بچه‌ها ذوق می‌کنیم. فرقی برلمان نمی‌کند که آن فرد خواننده است یا شعیده باز یا پارکورکار یا هر فرد دیگری.

احسان علیخانی با ساخت این برنامه روی دیگری از خودش را نشان داد من باورم نمی‌شد او اینقدر طنان باشد و آنقدر بداهه تیکه‌های خاص بیندازد! به نظرم برای خود او اتفاق دیگری رخ داد. حتی دفاع او از شرکت‌کننده‌ها جذاب است، اوایل خیلی‌ها می‌گفتند در تلنت های خارجی فقط داوران هستند اما همین که او خود را هم جای داور می‌گذارد و هم جای بیننده معمولی بسیار اتفاق خوبی بود. این میان تلویزیون هم وظیفه دارد برای چنین برنامه‌هایی هزینه کند. من در «خندوانه» و «دو قدم مانده به صبح»، «هفت» یا برنامه‌های پرترفقار دیگری هم بودام و میدانم که در پشت صحنه تمام این برنامه‌هایی که تاثیرگذار و موفق هستند یک تفکر اصلی و خلاقانه است که توانسته جریان ساز باشد.

♦ ما اکنون فقط دو یا سه برنامه داریم که پربیننده بوده‌اند یا حتی بازپخش «خندوانه» توانسته جزو پربیننده‌ها باشد تا یک برنامه تولیدی جدید. چرا خلق برنامه‌های جدید اینقدر سخت است؟ ایده‌پردازی کم داریم؟

غیر از اینکه باید ایده جذابی داشته باشید باید بتوانید آن را خوب هم اجرا کنید. من برای برخی از برنامه‌های تلویزیونی ایده داده‌ام و حتی برای یکی از برنامه‌ها اخیراً ایده‌ای دادم که خیلی به نظرم باحال بود اما خودم نمی‌توانم کاری بکنم و مشغله دارم اما اینکه چه کسانی آن ایده را اجرا کنند و چگونه به خروجی برسد خیلی مهم است مثلاً افرادی مثل احسان علیخانی، رامبد جوان، مه‌ران مدیری یا… پای خود را در مسیری که اشتباه باشد نمی‌گذارند. اعتبارشان را برای درآمد بیشتر هزینه نمی‌کنند.

آن‌ها می‌دانند که هیچ لذتی بالاتر از شاد کردن و سرگرم کردن مردم نیست. از تجربه کاری پیشین خود استفاده می‌کنند، آدم‌هایی که برای تیم خود می‌گذارند درست انتخاب می‌شوند. اما مثلاً برنامه‌ای داریم که دکور زیبایی دارد و هزینه صرف کرده است اما داورانی را انتخاب کرده است که احتمالاً تهیه کننده بعداً به روابط کاری و منفعت‌های خود فکر کرده است و برای همین برنامه‌اش جذاب و پربیننده نیست.

۱۸میلیارد تومان به حساب «آیه دریس» واریز شده بود!

اگه برای مردم ایران آب نداشت، برای بعضی‌ها نون داشت. این بعضی‌ها اینقدر بی‌شرفند که تو تلویزیون‌های ماهواره‌ای از فقر و بیکاری مردم گلایه می‌کنند.

سلمانه هم نوشت: نماینده دادستان تو جلسه محاکمه مدیران سایپا گفته بود ۱۸ میلیارد تومان به حساب یکی از مجریان شبکه من و تو واریز شد، آیه دریس که مثلاً دلش برای مردم ایران میسوزه جلو جلو از بیت‌المال خورده و برده.

جالب اینجاست که پس از گذشت ماه‌ها از این رسوایی، نفتن‌ها این مجری اختلاسگر بلکه تلویزیون معاند من‌وتو هم کوچک‌ترین واکنشی به غارت بیت‌المال نداشت. شبکه من‌وتو که با ایدئولوژی سوسیالیستی اداره می‌شود و مدام در برنامه‌هایش برای مردم داخل کشور اشک تمساح می‌ریزد، نشان داد که غارت بیت‌المال آنجا که از جانب خودی‌هایشان باشد، نه ایرادی دارد و نه نیاز به کوچک‌ترین توضیحی.

مجری اختلاس گر در پناه «من و تو»

۱۸میلیارد تومان به حساب «آیه دریس» واریز شده بود!

کسی که با دزدی ۱۸ میلیاردی از جیب مردم ایران در سال ۹۴ از کشور

خارج می‌شود و حالا با ژستی دلسوزانه برای مردم ایران در شبکه ضدانقلاب

من‌وتو به لجن‌پراکنی و دروغ‌پردازی می‌پردازد.

در پی انتشار خبر دزدی بزرگ مجری من‌وتو از جیب مردم ایران، کاربران

فضای مجازی با راه‌اندازی موج نویتبری، پست‌های خود را ذیل هشتگ

آیه_دریس منتشر کردند و خشم و انزجار خود را از خیانت‌های مجری شبکه

من‌وتو با دزدی و راه‌اندازی جنگ روانی علیه کشورشان ابراز کردند.

مریم توانا در صفحه تویترتش دراین باره نوشت:
یه گونه شایعی هم است به

نام آیه دریس که از جیب ما و از خونمون ۱۸ میلیارد تومان می‌دزده می‌بره

خونه مردم (شبکه من و تو). دزدی که وکیلمون بشه یعنی برای غارت بیشتر

اومده؛ حواسمون باشه.

آرمان هم نوشت:ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رفیق دزد باشید و شریک

قافله. سوره من و تو – آیه دریسترنج خاتون نوشت: فساد اقتصادی کشور